

فصلنامه علمی تاریخ اسلام و ایران دانشگاه الزهراء (س)
سال سی و یکم، دوره جدید، شماره ۴۹، پیاپی ۱۳۹، بهار ۱۴۰۰ / صفحات ۷۲-۴۹
مقاله علمی - پژوهشی

حفظ و بهبود محیط زیست در برنامه عمرانی پنجم (۱۳۵۲-۱۳۵۶ش) با تکیه بر جنگل‌ها و مراتع^۱

مهدی رفعتی پناه مهرآبادی^۲

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۲/۲۱

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۹/۱۳

چکیده

امروزه صورت‌بندی‌های متفاوتی درباره گفتمان‌های محیط زیست ارائه می‌شود. این گفتمان‌ها نحوه نگاه دولت‌ها و جوامع به محیط زیست را مشخص می‌کند. بدون تردید پیروی از هر یک از این گفتمان‌ها نتایج مشخصی را برای کشورها به بار می‌آورد و سیاست‌گذاری‌های خاصی را برای حفاظت از محیط زیست و چگونگی و میزان بهره‌برداری از منابع طبیعی تعیین می‌کند. یکی از گفتمان‌های محیط زیستی، گفتمان توسعه پایدار است که با گفتمان «پایست‌گرایی» (سرواویلیزم) رابطه نزدیکی دارد. این گفتمان بر استفاده بهینه از منابع طبیعی تأکید دارد و این منابع را میراث تمام انسان‌ها می‌داند؛ به گونه‌ای که نسل‌های آینده نیز امکان استفاده از آنها را داشته باشند. در ایران پیش از انقلاب ۵۷، برنامه عمرانی پنجم تنها برنامه‌ای بود که فصلی مشخص برای حفظ و بهبود محیط زیست اختصاص داده بود. نگارنده این پژوهش با استفاده از روش تحقیق تاریخی، ضمن بیان اهداف و خط‌مشی‌های برنامه پنجم (و همچنین برنامه تجدید نظر شده) در تلاش است به این پرسش پاسخ دهد که گفتمان محیط زیستی حاکم بر برنامه پنجم چه بود؟ و چه نتایجی را برای محیط زیست به بار آورد؟ جنگل‌ها و مراتع نیز به عنوان مطالعه موردی این پژوهش در نظر گرفته شده است. این مقاله نشان می‌دهد که عدم به کارگیری توسعه پایدار چگونه به غلبه نگاه ترمیمی و واکنش‌گرانه و غفلت از نگاه پیشگیرانه منجر شد. این امر نیز به نوبه خود برنامه‌های حفاظت را نسبت به برنامه‌های بهره‌برداری عقب راند و در پیوند با نگاه ابزاری به محیط زیست، ماهیت دستوری برنامه‌ریزی توسعه و ذات مطلقه شبه‌مدرن دولت، نمایی کامل از توسعه ناپایدار را ارائه کرد.

واژه‌های کلیدی: حفاظت محیط زیست، توسعه پایدار، دولت پهلوی، گفتمان جنگل‌ها و مراتع

۱. شناسه دیجیتال (DOI): 10.22051/HII.2020.31233.2241

۲. استادیار گروه مطالعات تاریخی پژوهشکده تحقیق و توسعه علوم انسانی (سمت) تهران، ایران. rafatipناه@samt.ac.ir

مقدمه

توسعه پایدار را توسعه‌ای می‌دانند که نیازهای کنونی جهان را تأمین می‌کند بدون آنکه توانایی نسل‌های آینده را در برآوردن نیازهای خود به مخاطره افکند. توسعه پایدار رابطه متقابل انسان و طبیعت در سراسر جهان است. این نوع توسعه، تغییری است که در استفاده از منابع، هدایت سرمایه‌گذاری‌ها و سمت‌گیری توسعه تکنولوژی ایجاد می‌شود. توسعه پایدار، تغییری نهادی و سازگار با نیازهای حال و آینده به شمار می‌رود (UNESCO, 1997: 13). بنابراین چنانچه فرایند توسعه در کشوری به درستی صورت پذیرد، باید در راستای نیازهای کنونی جامعه و تعالی نسل آینده و برای حفظ منابع طبیعی و محیط زیست باشد. در غیر این صورت، توسعه ناپایدار خواهد بود. به عبارتی، توسعه پایدار همه ابعاد اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و دیگر نیازهای بشری را در برمی‌گیرد و مهم‌ترین ویژگی آن جامعه‌نگری است (Arnold, 1993: 22). با توجه به تعریف توسعه پایدار، چنانچه دولتی بخواهد در تدوین و اجرای برنامه‌ها و سیاست‌گذاری‌هایش این نوع از توسعه را مد نظر قرار دهد، ناچار باید سیاست‌گذاری بخش‌های مختلف چون انرژی، صنعت، اقتصاد، کشاورزی و غیره را همسو با سیاست‌های محیط زیستی خود قرار دهد؛ زیرا سیاست‌های محیط زیستی درباره چگونگی نظم دادن انسان به خود و عملکردش برای برقراری ارتباط با طبیعتی است که او را زنده نگه داشته است. این دسته از سیاست‌ها با مسائل و مشکلات محیط زیستی سروکار دارد و امروزه شامل بحث‌هایی چون عوامل سیاسی، اقتصادی و اجتماعی و همچنین مسائل و مشکلات و بحران‌های اکولوژیکی می‌باشد (Dryzek and Schlosberg, 1998: 1).

در ایران توجه به حفاظت محیط زیست از سوی دولت سابقه‌ای بیش از نیم قرن دارد که شاید سرآغاز آن را بتوان تشکیل «کانون شکار ایران» (۱۳۳۵) دانست. البته از دهه ۱۳۵۰ با تشکیل سازمان حفاظت محیط زیست، عملاً یک سازمان دولتی متولی امور مختلف محیط زیست و مبارزه با آلودگی‌های محیطی در کنار برخی از وزارتخانه‌ها و سازمان‌های دیگر چون جنگلبانی شد. علاوه بر آن، در بین تمام برنامه‌های عمرانی پنج‌گانه دوره پهلوی، تنها برنامه عمرانی پنجم (۱۳۵۲-۱۳۵۶) شامل فصلی برای حفاظت از محیط زیست بود که پروژه‌های گسترده‌ای را برای حفظ، حراست و بهره‌برداری از محیط زیست در برمی‌گرفت. نگارنده این مقاله در تلاش است ضمن بهره‌گیری از روش تحقیق تاریخی با رویکردی تحلیلی و همچنین رجوع به اسناد، برنامه‌های عمرانی و گزارش‌های دولتی، به بررسی فصل حفاظت محیط زیست برنامه عمرانی پنجم (اولیه) و نیز برنامه تجدید نظر شده و ارتباط آن با توسعه پایدار بپردازد و رویکرد این برنامه را در ارتباط با محیط زیست به صورت عام و جنگل‌ها و مراتع

فصلنامه علمی تاریخ اسلام و ایران دانشگاه الزهراء(س)، سال ۳۱، شماره ۴۹، بهار ۱۴۰۰ / ۵۱

به عنوان مطالعه موردی نشان دهد. طبعاً پاسخ به سؤالاتی نظیر «حفاظت محیط زیست در برنامه عمرانی پنجم چه اهداف و خط‌مشی‌هایی داشته است؟»؛ «نسبت برنامه پنجم با توسعه پایدار چیست؟» و همچنین «سیاست حفظ، احیاء و بهره‌برداری از جنگل‌ها و مراتع چه مسیری را در برنامه پیمود؟» به روشن شدن وضعیت سیاست‌گذاری محیط زیستی در برنامه پنجم کمک می‌کند.

در مورد برنامه‌های عمرانی کتاب‌های مختلفی چون موج دوم تجدیدسازی آمرانه در ایران اثر سعید لیلان و تاریخچه برنامه‌ریزی توسعه در ایران نوشته احمد آل یاسین، به برنامه‌های عمرانی به صورت عام و بدون توجه به حفاظت محیط زیست پرداخته‌اند. همچنین کتاب‌های دیگری در ارتباط با مقوله‌های مختلف محیط زیستی چون آثار هنریک مجنونیان و نیز اثر کریم جوانشیر با عنوان تاریخ علوم منابع طبیعی در ایران وجود دارد که با وجود توجه به محیط زیست و مقوله‌های محیط زیستی، در آنها توجهی به برنامه‌های عمرانی و حفاظت محیط زیست نشده است. در مورد جنگل‌ها و مراتع به‌طور خاص باید از کتاب قوانین و مدیریت منابع طبیعی: جنگل‌ها و مراتع اثر تقی شامخی نام برد. در این کتاب، ابتدا به مروری تاریخی بر ضوابط مدیریتی ایجاد شده در عرصه جنگل‌ها و مراتع از گذشته‌های دور تا به امروز پرداخته شده و سپس بحث‌های گوناگونی درباره قوانین مصوب مربوط به جنگل‌ها و مراتع، سازمان‌های مدیریتی منابع طبیعی کشور، عرصه‌های مدیریت، وظایف دستگاه‌های مدیریتی در زمینه جنگل‌ها و مراتع و همچنین تحلیل قوانین مرتبط با جنگل‌ها و مراتع مطرح شده است. البته نویسنده به تحلیل قوانین محیط زیستی و تأثیر آنها بر حفظ جنگل‌ها و مراتع پرداخته، اما به بررسی سیاست‌های تدوین شده مربوط به جنگل‌ها و مراتع در دوره قانون‌گذاری در ایران نپرداخته است.

۱. ماهیت برنامه‌ریزی در ایران

برنامه‌ریزی‌های عمرانی در طول یک قرن اخیر، نه تنها در ایران که در بسیاری از کشورهای جهان و به روش‌های مختلفی چون متمرکز و دستوری (قانونی و الزامی)، ارشادی و شیوه مختلط دستوری- ارشادی به اجرا درآمده است (آل یاسین، ۱۳۹۳: ۲۶). در بسیاری از کشورها مانند مالزی، هندوستان، چین و کره جنوبی، این نوع از برنامه‌ریزی همواره با رویکرد ارشادی و یا مختلط انجام گرفته، اما در ایران رویکرد دولت نسبت به تدوین و اجرای برنامه‌های عمرانی، همیشه دستوری بوده است (همان، ۲۸-۲۹). نکته مهم اینکه نه فقط در تدوین برنامه‌ها، بلکه در اجرای آنها و حتی در قانون‌گذاری، همین نگاه دستوری همواره سیطره داشته

۵۲ / حفظ و بهبود محیط زیست در برنامه عمرانی پنجم (۱۳۵۲-۱۳۵۶ش) ... / مهدی رفعتی پناه مهرآبادی

است. نکته‌ی اخیر مهم‌ترین نکته‌ای است که در تحلیل برنامه‌ی عمرانی پنجم و نگاهش به محیط زیست باید مد نظر قرار داد.

ماهیت دستوری برنامه‌ریزی در ایران به نوبه‌ی خود نتیجه‌ی عاملی کلان‌تر، یعنی ماهیت شبه-مدرن و مطلقه‌ی دولت پهلوی بود.^۱ این ماهیت، نگاه به برنامه‌ریزی توسعه را نگاهی الزام‌آور و دستوری می‌دید که عمدتاً تحت تأثیر دیکتاتوری محمدرضاشاه و تصمیمات شخصی وی قرار داشت؛ تصمیماتی که برخی مواقع بیش از آنکه علمی و براساس تحقیقات متخصصان باشد، شخصی و بر مبنای تصمیمات محمدرضاشاه بود (لیلاز، ۱۳۹۲: ۲۹۰).

محمدرضاشاه طی ۲۵ سال زمامداری خود، از زمان کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ توانسته بود هم جنبش‌های ملی و هم حرکت‌های کمونیستی را تا حدود زیادی سرکوب کند. اتحادیه‌های کارگری و نشریات نیز تحت نفوذ نیروهای امنیتی قرار گرفته بودند و مجال چندانی برای فعالیت آزادانه نداشتند (بیات، ۱۳۷۹: ۷۴). در این دوره، کمتر نشریه و روزنامه‌ای را می‌توان یافت که اجازه‌ی اعتراض یا نقد سیاست‌های دولت، به‌خصوص نظرات محمدرضاشاه را داشته باشد. برای نمونه، امیر اسدالله علم در خاطرات سال ۱۳۵۴ خود، در مورد تشکیل حزب رستاخیز نشان داده است که چگونه محمدرضاشاه حتی تعیین تکلیف دولت، عزل و نصب وزرا و ریاست قوه‌ی مجریه را حق خود می‌دانست (علم، ۱۳۷۲: ۴۶/۵). شیوه‌ی اتخاذ تصمیمات مهم مملکتی در این زمان بیشتر متکی بر تصمیمات فردی، به‌خصوص از سوی شخص شاه بود. به قول عبدالمجید مجیدی بیشتر برنامه‌های مملکتی و اصولی، مانند اصول انقلاب سفید پس از اخذ تصمیم از سوی شاه به سازمان برنامه ابلاغ می‌شد (مجیدی، ۱۳۸۱: ۱۱۶).

۲. تجدید نظر در برنامه‌ی پنجم

در اوایل دی ۱۳۵۲ش / ۲۱ دسامبر ۱۹۷۳م. وزیران دارایی و نفت کشورهای حوزه‌ی خلیج فارس قیمت اعلان شده‌ی نفت سبک عربستان سعودی را به عنوان شاخص، از ابتدای ژانویه ۱۹۷۴م/۱۳۵۲ش. برای هر بشکه ۱۱/۶۵۱ دلار تعیین کردند و قیمت نفت خام سبک ایران از بشکه ۵/۲۵۴ دلار به ۱۱/۸۷۵ دلار افزایش یافت (مجیدی، ۱۳۸۱: ۱۳۹). با بالا رفتن قیمت نفت، درآمدهای کشور نیز افزوده شد و همین امر شاه را به وسوسه‌ی ایجاد تغییراتی در برنامه پنجم و تجدید نظر در آن وا داشت. برنامه پنجم که بیشتر بر نظرات اقتصادی خداداد

۱. برای این بحث ر.ک. به: احمد نقیب‌زاده (۱۳۷۹)، *دولت رضاشاه و نظام ایلی*، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ص ۱۲۶؛ منصور میراحمدی و حسن جباری نصیر (زمستان ۱۳۸۹)، «الگوی نظری دولت مطلقه و پیدایی دولت شبه مدرن در ایران»، *پژوهشنامه علوم سیاسی*، سال ششم، شماره ۱، ص ۱۷۹.

فصلنامه علمی تاریخ اسلام و ایران دانشگاه الزهراء(س)، سال ۳۱، شماره ۴۹، بهار ۱۴۰۰ / ۵۳

فرمانفرمائی‌ان استوار بود، بعد از تهیه و ارائه به دولت با انتقادات زیادی روبه‌رو شد. از آنجا که فرمانفرمائی‌ان حاضر به عدول از نظرات خود نشد، پس از ۲/۵ سال خدمت در رأس سازمان برنامه، از پست خود کناره‌گیری کرد و در دی ۱۳۵۱ عبدالمجید مجیدی به سمت سرپرست سازمان برنامه انتخاب شد. با افزایش قیمت نفت و کنار رفتن فرمانفرمائی‌ان، شرایط برای تجدید نظر در برنامه پنجم فراهم شد. البته به نظر می‌رسد برخلاف فرمانفرمائی‌ان، عبدالمجید مجیدی موافق چنین تغییراتی بود؛ زیرا از دید وی با بالا رفتن درآمد نفت، طبعاً پایه برنامه‌ای که درآمدهای نفتی به عنوان منبع اصلی آن به حساب می‌آمد، تغییرات عمده‌ای می‌کرد و به همین دلیل می‌بایست در اعتبارات عمرانی و موارد مصرف آن تجدید نظر می‌شد و تصمیمات «منطقی و صحیحی» گرفته می‌شد که منطبق با شرایط جدید بوده باشد (مجیدی، همان، ۱۵۸). در نتیجه، برنامه نسبتاً منسجمی که بعد از یک ربع قرن فراز و نشیب کارشناسی و تجربه‌اندوزی تهیه شده بود، به فراموشی سپرده شد، اما در نهایت دستور بررسی مجدد برنامه پنجم و تجدید نظر در آن صادر شد (آل یاسین، ۱۳۹۳: ۱۳۸-۱۳۹).

۳. فصل حفظ و بهبود محیط زیست در برنامه پنجم عمرانی

از فصول ۲۸گانه برنامه پنجم، فصل هفتم به «حفاظت و بهبود محیط زیست» اختصاص دارد. با گنجاندن این فصل در برنامه عمرانی، ایران به یکی از اولین کشورهای در حال توسعه تبدیل شد که مسئله حفاظت محیط زیست را در برنامه عمرانی خود به صورت یک فصل مجزا قرار داده بود (برنامه پنجم عمرانی کشور، ۱۳۵۱: ۱۳۸). تدوین‌کنندگان برنامه حفظ و بهبود محیط زیست، یکی از هدف‌های اصلی برنامه پنجم (برنامه اولیه) را استفاده از اصل پیشگیری قرار داده بودند. به عبارت دیگر، برنامه حفاظت از محیط زیست با توجه به افزایش جمعیت، صنعتی شدن، توسعه اقتصادی و بهره‌برداری از منابع طبیعی، شامل سه بخش اصلی حفاظت و پیشگیری، مبارزه با آلودگی‌ها و ترمیم خسارت‌ها و آسیب‌های ناشی از توسعه بود. در این باره، حفاظت محیط زیست طی برنامه پنجم بر دو اصل زیر مبتنی شد:

الف. حفاظت، بهبود و بهسازی محیط زیست، پیشگیری و ممانعت از آلودگی‌ها و اقداماتی که موجب تخریب و برهم خوردن تعادل و تناسب محیط زیست می‌شود.

ب. تنظیم و اجرای برنامه‌های آموزشی در سطوح مختلف به منظور روشنگری و هدایت افکار عمومی در زمینه استفاده صحیح از طبیعت (ساکما، شماره ۱۹۰۹-۲۲۰).

بر همین اساس، دو هدف اصلی برنامه محیط زیست را باید در پیشگیری (و ترمیم) و نیز افزایش سهم مردمی و گسترش میزان مشارکت عمومی در امر حفظ و استفاده درست از محیط

۵۴ / حفظ و بهبود محیط زیست در برنامه عمرانی پنجم (۱۳۵۲-۱۳۵۶ش) ... / مهدی رفعتی پناه مهرآبادی

زیست دانست. همچنین به منظور دستیابی به هدف‌های نام برده شده، در برنامه پنجم اقداماتی نظیر شناخت کامل مناطق خشک و نیمه‌خشک و جلوگیری از تخریب زمین،^۱ بررسی و ارائه ضوابط به منظور حفظ و حراست از اکوسیستم‌ها و بهره‌وری از سرزمین،^۲ حفظ و نگهداری شکارگاه‌ها و تدوین مقررات و استانداردهای مربوط، شناسایی میزان آلودگی دریاها، دریاچه‌ها و جلوگیری از افزایش آلودگی آنها،^۳ بررسی و تحقیق لازم در زمینه شناخت منابع آلوده کننده، تهیه ضوابط برای سنجش تأثیر مواد آلوده کننده بر انسان، حیوان و گیاه، چگونگی تقلیل میزان آلودگی هوا و همچنین آموزش افراد کادر اجرایی در سطوح مختلف صورت گرفت (سنجش عملکرد برنامه پنجم عمرانی کشور طی سه سال.....، [بی تا]: ۲۸).

۳-۱. خط مشی‌ها

خط‌مشی‌های اساسی برنامه حفاظت محیط زیست (در برنامه اولیه) در این دوره بر اصول پنج‌گانه زیر قرار گرفت:

۱. برنامه حفاظت محیط زیست براساس اصل «پیشگیری» تدوین شد و برای مبارزه با آلودگی‌های محیطی به روش‌هایی که جنبه پیشگیری داشتند، اولویت داده شد.
۲. تدوین کنندگان برنامه در عین حال به روش‌هایی که در امر تولید دخالت محسوسی نداشتند، توجه خاصی کردند و تلاش آنها این بود که به قشرهای کم‌درآمد فشاری وارد نیاید.
۳. سومین خط مشی این برنامه، استفاده از تمام امکانات موجود شامل نیروی انسانی و تجربه سازمان‌های مختلف در امر مبارزه با آلودگی بود.
۴. در تدوین این برنامه تلاش شد تا در مبارزه با آلودگی، بیشتر از روش‌هایی که در

۱. برای مثال، در اواخر سال ۱۳۵۳ دو تن از متخصصان مناطق خشک و نیمه‌خشک یونسکو به نام‌های پروفیسور «آر. ای. پری» (R.A. Perry) و «جی. ای. لانگ» (G.A. Long) به دعوت دولت ایران برای بررسی مسائل مربوط به مناطق خشک و نیمه‌خشک وارد کشور شدند و پس از اقامت دوهفته‌ای خود، گزارشی درباره این مناطق و وضعیت آنها و همچنین اقدامات ضروری برای حفظ این مناطق تهیه کردند (ر.ک. به: ساکما، شماره ۱۸۳۰۹-۲۲۰؛ و همچنین جی. ای. لانگ و آر. ای. پری (اسفند ۱۳۵۴)، تحقیق و توسعه منابع طبیعی در مناطق خشک و نیمه خشک ایران ۱۹۷۵، ترجمه دفتر منابع طبیعی و محیط زیست، تهران: سازمان برنامه و بودجه، صص ۷-۹).

۲. برای نمونه، اختصاص برخی از تالاب‌ها، دریاچه‌ها و مناطق حفاظت شده برای مطالعه و بررسی به سازمان ملل؛ مانند اکوسیستم دشت ارژن و دریاچه پریشان (ر.ک. به: ساکما، شماره ۱۰۷۹۰-۲۲۰؛ همان، شماره ۹۰۹۰-۳۵۰).

۳. تصویب آیین‌نامه جلوگیری از آلودگی آب نمونه‌ای از این تلاش‌هاست (ر.ک. به: ساکما، شماره ۵۸۷۶۲-۲۹۳).

فصلنامه علمی تاریخ اسلام و ایران دانشگاه الزهراء(س)، سال ۳۱، شماره ۴۹، بهار ۱۴۰۰ / ۵۵

کشورهای پیشرفته مورد استفاده قرار گرفته و نتیجه بخشی آنها اثبات شده بود، بهره گرفته شود.

۵. قرار بر استفاده از روش‌ها و راه‌حلهایی شد که در کشورهای پیشرفته به دست آمده بودند؛ مشروط به تطبیق با شرایط ایران (برنامه پنجم عمرانی کشور، ۱۳۵۱: ۱۳۹).

۳-۲. برنامه حفظ، احیا و بهره‌برداری از جنگل‌ها در برنامه اولیه

با توجه به سمت و سوهای برنامه حفاظت محیط زیست در برنامه پنجم و عطف به بُعد پیشگیرانه این برنامه، سیاست حفظ، احیا و بهره‌برداری از جنگل‌ها و مراتع نیز متناسب با این برنامه تدوین شد. شاید مهم‌ترین جنبه سیاست جنگل‌ها و مراتع در برنامه پنجم (اولیه)، اولویت یافتن عمران و احیای جنگل‌ها بر بهره‌برداری از آنها بود. بر این اساس، به منظور شناسایی جنگل‌های شمال کشور، تهیه نقشه‌های توپوگرافی در ۳/۴ میلیون هکتار از این جنگل‌ها مد نظر قرار گرفت. در کنار این امر، قرار شد آمارگیری نیمه تفصیلی از وضع کمی و کیفی درختان به عمل آید و در سایر جنگل‌های کشور نقشه‌های لازم تهیه شود. همچنین به منظور حفظ و حمایت از جنگل‌ها در مقابل تخریب و تجاوز، تلاش شد گارد مسلح جنگل تقویت و دیده‌بانی‌ها و ایستگاه‌های مخابراتی راه‌اندازی شود. به منظور تسهیل در برداشت از جنگل‌های صنعتی و نیز جلوگیری از تخریب بیش از حد درختان، مقرر شد ۱۵۰۰ کیلومتر راه نفوذی و دوهزار کیلومتر راه بهره‌برداری ایجاد شود. از دیگر برنامه‌هایی که برای احیای جنگل‌ها در برنامه پنجم در نظر گرفته شد، قرق پنج میلیون هکتار جنگل در کنار احداث بیست‌هزار هکتار جنگل جدید برای صنایع کاغذسازی بود. در کنار این طرح‌ها، در برنامه پنجم برای سیصد هزار هکتار از جنگل‌های شمال طرح‌های جنگل‌داری در نظر گرفته شد و بدین طریق تخمین زده شد که مساحت مورد بهره‌برداری از جنگل‌ها به ۷۶۰ هزار هکتار افزایش یابد. در نتیجه، این امکان فراهم می‌آمد که حجم چوب‌های استحصالی از نهمصد هزار متر مکعب در پایان برنامه چهارم (۱۳۵۱) به ۲/۷ میلیون متر مکعب در پایان برنامه پنجم برسد (برنامه پنجم عمرانی کشور، ۱۳۵۱: ۲۴۰-۲۴۱).

بدین ترتیب، در برنامه پنجم عمرانی (برنامه اولیه) سیاست حفظ، احیا و بهره‌برداری از جنگل‌ها بر مبنای اهداف و خط مشی‌های این برنامه، متوجه احیا و عمران جنگل‌ها و نیز بُعد پیشگیرانه بود. البته با تجدید نظر در برنامه پنجم، فصل حفظ و بهبود محیط زیست نیز دچار تغییراتی شد که سمت و سوهای برنامه را از عمران و احیا به سمت بهره‌برداری بی‌رویه پیش برد. این تغییرات را باید در ماهیت برنامه‌ریزی دستوری، ذات مطلقه و شبه-مدرن دولت

۵۶ / حفظ و بهبود محیط زیست در برنامه عمرانی پنجم (۱۳۵۲-۱۳۵۶ش) ... / مهدی رفعتی پناه مهرآبادی

پهلوی و بی‌توجهی به توسعه پایدار و یا به بیان دیگر، در تغییر گفتمان محیط زیستی دولت پهلوی دانست. این تغییر گفتمانی را اگر بخواهیم بنا بر صورت‌بندی «درایزک» از گفتمان‌های محیط زیستی توضیح دهیم، باید آن را گذر از گفتمان پایست‌گرایی^۱ و توجه به گفتمان پرومته‌ای^۲ به حساب آورد.

گفتمان «سروایولیسم» یا پایست‌گرایی گفتمانی بود که پس از جنگ جهانی دوم و به‌خصوص از اواخر دهه ۱۹۶۰ ظهور یافت. تأکید این گفتمان بر محدودیت منابع طبیعی و ظرفیت تحمل محدود اکوسیستم‌ها بود و به دنبال دادن هشدارهای لازم به جهانیان در مورد رشد افسارگسیخته جمعیت و بهره‌برداری بی‌رویه از منابع طبیعی بود. هرچند که «مالتوس»^۳ (۱۷۶۶-۱۸۳۴م) پیش از این با تئوری خود در مورد جمعیت، پیش‌بینی آینده‌ای شوم را رقم زده بود، ولی گفتمان پایست‌گرایی با ظهور افرادی چون «راشل کارسون» نویسنده کتاب بهار خاموش و «گرت هاردین»^۴ با تئوری «مشاعات یا منابع مشترک»،^۵ پل ارلریش^۶ و البته کلوپ رم پا به عرصه گذاشت. پایست‌گرایی توانست افقی آخرالزمانی از محیط زیست‌گرایی ترسیم کند و استدلال بیاورد که چرا توجه، علاقه و نگرانی نسبت به محیط زیست نه تنها مطلوب بلکه ضروری است. اندیشه‌گران این گفتمان خواهان اتخاذ سیاست‌هایی بودند تا امکان کاهش رشد نرخ جمعیت و کاهش بهره‌برداری از منابع طبیعی را فراهم کند. برخی از آنها نتیجه گرفتند که چشم‌اندازسازی،^۷ شبکه‌سازی، حقیقت‌گویی، یادگیری و مهرورزی، به مثابه کلیدهای دستیابی به یک جامعه جهانی پایدار به شمار می‌روند. البته نسخه سیاسی آنها وجود حکومتی اقتدارگرا و تمامیت‌خواه را تجویز می‌کرد. ایده حفاظت از منابع طبیعی از طریق ایجاد مناطق حفاظت شده و رصد دائمی آنها از طریق مانیتورینگ ایده‌هایی بود که این گفتمان عرضه داشت. همچنین تأکید این گفتمان بر پیشگیری از وقوع فجایع محیط زیستی بود که این پیشگیری در برنامه‌ها و پیشنهادات اندیشه‌گران این گفتمان به چشم می‌خورد.^۸

عنوان گفتمان پرومته‌ای از نام یکی از اساطیر یونان گرفته شده است. در اساطیر یونانی، «پرومتئوس» آتش را از زئوس دزدید و ظرفیت و توانایی بشر را برای کنترل و اداره جهان به

1. survivalism
2. promethean
3. Thomas Malthus
4. Garrett Hardin
5. "the tragedy of the commons".
6. Paul Ehrlich
7. visioning

۸. برای اطلاعات بیشتر در مورد این گفتمان ر.ک. به:

John. S. Dryzek (2013), *the politics of the earth: environmental discourses*, Oxford: Oxford University Press, pp.27-52.

فصلنامه علمی تاریخ اسلام و ایران دانشگاه الزهراء(س)، سال ۳۱، شماره ۴۹، بهار ۱۴۰۰ / ۵۷

شدت افزایش داد. پرومته‌ای‌ها به توانایی بشر و فناوری‌هایش در غلبه بر تمام مسائل، از جمله مسائل محیط زیستی اعتماد کامل دارند. همچنین گاه این گفتمان را «کورنو کوپین» نیز می‌نامند. گاهی اصطلاح کورنو کوپین^۱ با نفی و ردّ محدودیت‌های محیط زیستی ارتباط دارد. «کورنو کوپیا»^۲ به معنای ذخایر طبیعی فراوان است: منابع طبیعی نامحدود، قابلیت نامحدود نظام‌های طبیعی در جذب آلاینده‌ها و ظرفیت اصلاح‌کنندگی نامحدود نظام‌های طبیعی. برای چندین قرن، دست‌کم در جهان غرب، نظم پرومته‌ای حاکم امری بدیهی و مسلّم پنداشته شده بود. انقلاب صنعتی سبب تغییرات تکنولوژیکی‌ای شد که موادی چون زغال سنگ و بعدها نفت را به‌طوری جدی به منابع سودمند و مفید تبدیل کرد. در همین حال، گسترش استعمار اروپایی امکان بهره‌کشی و استثمار قاره‌ها و اقیانوس‌های جدید را فراهم کرد. رشد اقتصادی سرمایه‌داری توانست به عنوان شرط طبیعی و عادی یک جامعه سالم به حساب آید. حتی آنان که در انتظار آینده پس از سرمایه‌داری بودند (به‌طور مشخص کارل مارکس)، پیشرفت تکنولوژیکی، رشد اقتصادی و تسخیر طبیعت را تحسین می‌کردند.

امروزه تقریباً هر دولتی اولین وظیفه خود را رشد اقتصادی می‌داند. در گزارش اخبار اقتصادی به شیوه‌های مختلف فرض می‌شود که رشد اقتصادی سودمند و پسندیده است. این گزارش‌ها به رشد ثروت، رشد درآمد، رشد سود، رشد بازار سهام، رشد اشتغال، رشد مسکن، و رشد میزان مسافرت ارجاع می‌دهند. آن رشد اقتصادی که معمولاً به معنای افزایش فشار بر نظام‌های محیط زیستی است (آلودگی بیشتر، ازدحام بیشتر، تحلیل سریع‌تر منابع)، هرگز همراه با این مجموعه‌های اقتصادی گزارش نمی‌شود؛ به همین دلیل این گفتمان را می‌توان درازدامن‌ترین و بدیهی‌ترین گفتمان محیط زیستی به حساب آورد که البته در تقابل با گفتمان پایست‌گرایی قرار می‌گیرد. از مهم‌ترین اندیشمندان این گفتمان می‌توان به «جولیان سیمون»^۳ و «ویلفرد بکرمن»^۴ اشاره کرد. بکرمن شواهد بلندمدتی از روند قیمت‌ها را علیه بحث «محدودیت‌های رشد» که طراحان جهانی مطرح کرده بودند، به کار گرفت تا استدلال کند که هیچ مشکلی برای ترسیم و برنامه‌ریزی رشد اقتصادی در آینده‌ای نامعین وجود ندارد و بعدها به همین شکل، در کتاب دیگرش به نام فقر/استدلال^۵ گفتمان توسعه پایدار و همچنین

1. Cornucopian

2. Cornucopia

در اساطیر یونان، به یکی از شاخ‌های بزی به نام آمالتیا (Amalthea) اطلاق می‌شود. زئوس که در نوزادی از این شاخ شیر خورده بود، کاری کرد که این شاخ مرتباً از خوردنی‌ها و نوشیدنی‌ها پر شود. این شاخ در هنر نماد فراوانی است.

3. Julian Simon

4. Wilfred Beckerman

5. A Poverty of Reason

محدودیت‌ها را مورد حمله قرار داد.^۱

بنابراین گفتمان پایست‌گرایی در توافق با توسعه پایدار و در مقابل گفتمان پرومته‌ای قرار دارد. به نظر می‌رسد در دوره پهلوی بیش از آنکه گفتمان پایست‌گرایی بر سیاست‌های صنعتی، اقتصادی، انرژی و غیره حاکم باشد، گفتمان پرومته‌ای گفتمان مسلط بود. این گفتمان به‌ویژه در برنامه تجدید نظر شده پنجم خود را عیان کرد؛ هرچند که با اندیشه‌های اصلی نظریه‌پردازان این گفتمان فرسنگ‌ها فاصله داشت و به تعبیری بیش از آنکه پرومته‌ای باشد، ناپایدار بود.

۴. تجدیدنظر در برنامه پنجم؛ اولویت یافتن تولید صنعتی و کشاورزی بر اصل پیشگیری

با تجدیدنظر در برنامه پنجم، در فصل حفاظت محیط زیست این برنامه نیز تغییراتی به وجود آمد. بر این اساس، اولین خط مشی برنامه پنجم (اولیه) که استوار کردن برنامه حفاظت محیط روی اصل «پیشگیری» بود، از اولویت خارج شد و روش‌هایی اولویت یافت که نقصانی در تولیدات صنعتی و کشاورزی به وجود نیاورد (برنامه پنجم عمرانی کشور، تجدید نظر شده...، ۱۳۵۲: ۳۷). به عبارت دیگر، در برنامه تجدید نظر شده، اصل پیشگیری دچار تنزل درجه اهمیت شد و به همین دلیل خط مشی‌های پنج‌گانه حفاظت محیط زیست برنانه تجدید نظر شده، به شرح زیر تدوین شد:

۱. در انتخاب روش‌های حفاظت از طبیعت و مبارزه با آلودگی، به روش‌هایی اولویت داده شد که نقصانی در تولیدات صنعتی و کشاورزی به وجود نیاورند.
۲. در امر مبارزه با آلودگی، به روش‌هایی که جنبه پیشگیری داشتند و در نتیجه مستلزم صرف هزینه کمتری بودند، توجه شد.
۳. پیش‌بینی شد که از همه امکانات نیروی انسانی و تجربه سازمان‌های موجود برای حفاظت و مبارزه با آلودگی استفاده شود.
۴. در امر مبارزه با آلودگی، کوشش شد تا از نتایج تحقیقات و مطالعات علمی و عملی مورد استفاده در سطح جهان بهره‌برداری شود و ضمن تطبیق این نتایج با ویژگی‌های طبیعی و جغرافیایی کشور، به «تحقیقات اصیل» نیز مبادرت شود.

عنوان کامل کتاب وی *a poverty of reason: sustainable development and economic growth* است. وی استدلال کرده است بسیاری از هشدارهایی که معمولاً توسط محیط زیست‌گرایان داده می‌شود، پایه و اساسی ندارند و سیاست‌های فعلی توسعه پایدار باید با توجه به تأثیرات آن بر جمعیت انسانی زمین، از جمله افزایش فقر و تخریب محیط زیست در کشورهای در حال توسعه، مورد بازنگری قرار گیرد.

۱. برای اطلاعات بیشتر در مورد گفتمان پرومته‌ای ر.ک. به: Dryzek, 2013: 52-72

فصلنامه علمی تاریخ اسلام و ایران دانشگاه الزهراء(س)، سال ۳۱، شماره ۴۹، بهار ۱۴۰۰ / ۵۹

۵. مقرر شد در زمینه انجام تحقیقات و آموزش مربوط به محیط زیست، مؤسسات آموزشی و دستگاه‌های تخصصی موجود تجهیز شوند (برنامه پنجم عمرانی کشور، تجدید نظر شده.....، ۱۳۵۲: ۳۷-۳۸).

تغییرات برنامه تجدید نظر شده را باید یکی از عوامل کاهش کارایی برنامه‌های حفاظت از محیط زیست برنامه پنجم به حساب آورد. به عبارتی، هرچند محمدرضاشاه در پیام خود به مناسبت روز جهانی محیط زیست ادعا کرد که معتقد است «محیط زیست طبیعی زمینه و سرمایه حیاتی محیط زیست انسانی است و کمال و رفاه واقعی جامعه بی‌وجود محیط زیست ناممکن خواهد بود» (روزنامه اطلاعات، سه شنبه ۱۸ خرداد ۱۳۵۳: شماره ۱۴۴۲۵۰، ص ۱۶)، اما با تجدید نظرهایی که در برنامه پنجم صورت گرفت و اتفاقاً شخص محمدرضاشاه در اعمال این تغییرات نقش بسزایی داشت (مجیدی، فرمانفرمائیان و گودرزی، ۱۳۸۱: ۴۱۷-۴۲۰)، مهم‌ترین خط مشی حفاظت محیط زیست برنامه پنجم اهمیت خود را به عنوان اولین خط مشی این برنامه از دست داد. کاستن از اهمیت بُعد پیشگیرانه برنامه حفاظت محیط زیست و اولویت دادن به تولیدات کشاورزی و صنعتی و مهم‌تر از آن اولی دانستن روش‌هایی در حفاظت محیط زیست که «در تولیدات کشاورزی و صنعتی نقصانی ایجاد نکند»، مهم‌ترین انحرافی بود که در برنامه حفاظت محیط زیست برنامه پنجم به وجود آمد. این تغییرات نشان می‌دهد که در پس ذهن محمدرضاشاه و سیاست‌گذاران توسعه در ایران، هنوز محیط زیست به عنوان عاملی مهم و اساسی در توسعه کشور به حساب نمی‌آمد و برای دستیابی به رشد اقتصادی و حرکت به سمت توسعه، نیازی به همسو کردن برنامه‌های کشاورزی، صنعتی، نفت و انرژی با برنامه‌های حفاظت محیط زیست حس نمی‌شده است. به عبارت دیگر، روند توسعه در ایران با چنین ذهنیتی طبعاً روندی نامتوازن و ناپایدار بوده است.

به دلیل عدم وجود فلسفه و گفتمان حفاظت محیط زیست (به‌ویژه فلسفه پایست‌گرایی و توسعه پایدار) به نظر می‌رسد در ایران دوره پهلوی نه تنها در بین مردم، بلکه در میان برخی از نخبگان سیاسی نیز ضرورت توجه به محیط زیست هرگز درک نشد و زمینه مناسبی برای پذیرش سیاست‌های محیط زیستی فراهم نشد. هرچند در آن زمان مشکلات محیط زیستی چون آلودگی هوا، آلودگی آب‌ها، تخریب جنگل‌ها و انقراض گونه‌های جانوری به تازگی در حال رخ نمودن بود،^۱ اما این معضلات به صورت جدی خود را نمایان نکرده و جامعه را به

۱. برای نمونه، تلف شدن بیش از یک میلیون ماهی در رودخانه زرجوب در نتیجه تخلیه فاضلاب کارخانه پارس توشیبا یک بار در سال ۱۳۵۴ و بار دیگر در سال ۱۳۵۵، ر.ک. به: روزنامه آیندگان (۲۴ شهریور ۱۳۵۴)، ص ۱۶؛ ساکما، شماره ۶۷۰۵۳-۲۹۳.

۶۰ / حفظ و بهبود محیط زیست در برنامه عمرانی پنجم (۱۳۵۲-۱۳۵۶ش) ... / مهدی رفعتی پناه مهرآبادی

حد خطر نرسانده بود. بنابراین توجه به محیط زیست در بین مسئولان دولتی بیشتر ناشی از حرکت‌های جهانی و اقدامات کشورهای دیگر، به خصوص کشورهای غربی در این زمینه بود. همین مسئله در یکی از جلسات مجلس شورای ملی از جانب دکتر الموتی مطرح شد. در ادامه جلسات مربوط به مذاکره درباره کلیات لایحه برنامه عمرانی پنجم، الموتی در سخنان خود بحث محیط زیست را پیش کشید و با انتقاد از نگاه به محیط زیست در کشور، آن را چیز تازه‌ای دانست که «اخیراً در دنیا مد شده است». او گفته بود: «راجع به محیط زیست می‌بینیم که اخیراً یک چیز تازه‌ای مد شده. البته مجلس سنا بیشتر از ما در این مورد حساسیت دارد و حتی در نطق‌های قبل از دستور هم در این مورد صحبت می‌کنند. دیدم دولت ۲۲ میلیارد اعتبار گذاشته و یک فصل هم اختصاص داده به محیط زیست که آن را بهتر بکند. البته می‌بینیم در استکھلم هم کنفرانس تشکیل دادند و راجع به این موضوع صحبت می‌کنند و مطالعه می‌کنند. مثل این است که بعضی از ما می‌خواهیم از همه جای دنیا جلوتر برویم. نه شهر تهران و نه دیگر شهرهای ایران آن قدر صنعتی است که از نظر تنفسی خیلی در زحمت باشیم» (مشروح مذاکرات مجلس، چهارشنبه ۱۱ بهمن ماه ۱۳۵۱).

سخنان الموتی نشان می‌دهد که از دید برخی از سیاستمداران، توجه به محیط زیست و اعمال سیاست‌هایی در این زمینه نه تنها ناشی از ضرورت‌های اجتماعی کشور نبوده، بلکه تحت تأثیر حرکت‌های جهانی حفاظت محیط زیست و گفتمان‌های مرتبط با آن قرار داشته است. انتقاد از گنجاندن فصلی واحد در برنامه پنجم عمرانی برای حفاظت از محیط زیست و تأکید بر این مسئله که ایران هنوز آن قدر صنعتی نشده که «از نظر تنفسی خیلی در زحمت باشیم»، نشان از نوع نگاه برخی از سیاستمداران و اصولاً عدم درک آنان از محیط زیست و مقوله‌های وابسته به آن دارد. اینکه الموتی محیط زیست را فقط در ارتباط با تنفس و آلودگی هوا می‌بیند، بیانگر ناآگاهی طبقات مردم از محیط زیست و چگونگی حفاظت از آن نیز می‌تواند باشد. علاوه بر آن، از دید الموتی و کسانی که به مانند او فکر می‌کردند، سیاست‌های پیشگیرانه جایی در سیاست‌گذاری‌های دولتی نداشته و اعمال سیاست‌گذاری‌ها فقط با رخ نمودن مشکلات و مسائل امکانپذیر بود. بدین ترتیب، طبیعی است که شاهد عدم همراهی برخی از سیاستمداران با سیاست‌های دولتی باشیم.

علاوه بر آنچه که گفته شد، با دقت در اهداف و سیاست‌های برنامه پنجم، به روشنی می‌توان دریافت که مبارزه با آلودگی‌های محیطی مهم‌ترین جنبه این اهداف و سیاست‌ها بوده است. بنابراین انحراف در برنامه پنجم، به اتخاذ سیاست‌های واکنشی نسبت به مسائل محیط زیستی منجر شد؛ سیاست‌هایی که تا پیش از پدیدار شدن مسائل و بحران‌ها توجهی به

فصلنامه علمی تاریخ اسلام و ایران دانشگاه الزهراء(س)، سال ۳۱، شماره ۴۹، بهار ۱۴۰۰ / ۶۱

جلوگیری از وقوع آنها نداشتند و فقط پس از پیدایش مشکل، به دنبال حل آن می‌رفتند. به عبارت روشن‌تر، اگر مطابق برنامه اولیه، اصل پیشگیری به عنوان هدف اصلی و اولین خط مشی حفاظتی لحاظ می‌شد، سیاست‌ها و سیاست‌گذاری‌های دولتی نیز به سمت سیاست‌های کنشگرانه پیش می‌رفت، اما به دلیل انحراف در برنامه پنجم و تجدید نظرهایی که در آن رخ داد، اصل پیشگیری جایگاه اصلی خود را از دست داد و سیاست‌های دولتی نه براساس اولویت مسائل محیط زیستی، بلکه مبتنی بر رشد اقتصادی، صنعتی و کشاورزی (نگاه پرومته‌ای) تدوین و اجرا شدند و به دلیل اتخاذ سیاست‌های محیط زیستی بر مبنای رشد اقتصادی، خواسته یا ناخواسته، در تدوین خط مشی‌های محیط زیستی برنامه پنجم، به جای اصل پیشگیری و نگاه کنشی به مسائل محیط زیست، اصل ترمیمی و نگاه واکنشی قرار گرفت. قوانین متعددی که در راستای حفاظت از محیط زیست در این دوره تدوین و تصویب شد، به روشنی غلبه نگاه ترمیمی و واکنش‌گرا را در سیاست‌های محیط زیستی نشان می‌دهد. «آیین‌نامه مربوط به قانون حفظ و گسترش فضای سبز و جلوگیری از قطع بی رویه درخت ۱۳۵۳»، «قانون حفاظت و بهسازی محیط زیست ۱۳۵۳» و «آیین‌نامه جلوگیری از آلودگی هوا ۱۳۵۴» از این موارد می‌باشند (مجموعه قوانین سال ۱۳۵۴، ۱۳۵۴: ۱۱۴).

اکنون با نگاهی به میزان پیشرفت برنامه‌های حفظ و بهره‌برداری از جنگل‌ها، می‌توان به میزان موفقیت دولت پهلوی و برنامه تجدید نظر شده در امر حفاظت محیط زیست پی برد. در زمینه جنگل‌ها و مراتع، توجه به آمارها (جدول ۱)، نشان از عدم کامیابی در عملیاتی کردن برنامه‌های پیش‌بینی شده دارد. با وجود آنکه سه سال از اجرای برنامه می‌گذشت و تنها دو سال دیگر آن باقی مانده بود، آمارها نشان از عقب بودن برنامه‌های انجام شده نسبت به پیش‌بینی‌ها داشت. در برنامه عمرانی تجدید نظر شده، با وجود آنکه میزان بهره‌برداری از جنگل‌ها بیشتر از برنامه اولیه در نظر گرفته شد و انجام اقدامات زیربنایی چون احداث راه‌های جنگلی به رقمی کمتر از نصف برنامه اولیه تقلیل یافت، باز هم در مرحله اجرا با عدم موفقیت روبه‌رو شد. تا پایان سال سوم برنامه پنجم، از ششصد کیلومتر راه نفوذی (این میزان در برنامه اولیه ۱۵۰۰ کیلومتر بود) تنها ۷۵ کیلومتر، یعنی حدود ۱۲/۵ درصد از کل هدف برنامه پنجم عملیاتی شد. از دیگر سو، مقرر شده بود جنگل‌کاری و احیای جنگل‌های مخروطی هر یک به میزان پنجاه‌هزار هکتار در این دوره انجام پذیرد، ولی در طول سه سال اول برنامه، به ترتیب شش‌هزار و سیزده‌هزار هکتار اجرایی شد. بنابراین با وجود برنامه‌های گسترده‌ای که برای حفظ، احیا و بهره‌برداری از جنگل‌ها و مراتع در دوران برنامه پنجم تدوین شد، تنها موفقیت نسبی در این زمینه بهره‌برداری از جنگل‌ها بود؛ به گونه‌ای که از سه میلیون متر مکعب میزان

۶۲ / حفظ و بهبود محیط زیست در برنامه عمرانی پنجم (۱۳۵۲-۱۳۵۶ش) ... / مهدی رفتی پناه مهرآبادی

پیش‌بینی شده برداشت چوب در این برنامه، بیش از نیمی از آن یعنی حدود $1/600/000$ متر مکعب عملیاتی شد (سنجش عملکرد برنامه پنجم عمرانی کشور طی سه سال...، [بی‌تا]: ۴۷). این امر نشان از واقعیت عدم توازن بین حفظ و احیای جنگل‌ها در مقابل برداشت از آنها براساس برنامه پنجم دارد. به عبارت روشن‌تر، در اجرای سیاست‌های حفظ و احیای جنگل‌ها، به ابعاد گوناگون توجه نشد و چندوجهی بودن سیاست‌های محیط زیستی مورد غفلت واقع شد و به دنبال این امر، حفاظت و احیای جنگل‌ها، در عمل بعد از هدف بهره‌برداری اقتصادی از این منبع طبیعی قرار گرفت. از آنجا که دولت نگاه ارزشی، انگیزه و هدف خود را در پرداختن به جنگل‌ها، نگاه ارزشی ابزاری و انگیزه اقتصادی قرار داده بود، برنامه‌های حفاظت و احیا نسبت به برنامه‌های بهره‌برداری با پیشرفت و موفقیت بسیار کمتری روبه‌رو شد؛ درحالی‌که پروژه‌های مربوط به بهره‌برداری مطابق برنامه پیش می‌رفت.

براساس گزارش سازمان برنامه و بودجه در سال ۱۳۵۶، مساحت جنگل‌های کرانه دریای مازندران حدود $3/420/000$ هکتار بوده است. از میزان کل این جنگل‌ها حدود $1/600/000$ هکتار آن را جنگل‌های انبوه (شامل الف. جنگل‌های تجارتي $1/330/882$ هکتار یا ۳۹ درصد از کل مساحت جنگل‌های شمال ایران؛ ب. جنگل‌های غیرتجارتی (غیر قابل بهره‌برداری) $298/983$ هکتار یا ۹ درصد از کل مساحت آن جنگل‌ها) تشکیل می‌داده است. همچنین جنگل‌های مخروطی و اراضی جنگلی حدود $1/760/000$ هکتار یا ۵۲ درصد از کل مساحت جنگل‌های شمال کشور را در برمی‌گرفته است (بررسی وضع موجود و امکانات بهره‌برداری از منابع طبیعی کشور در بلندمدت...، ۲۵۳۶: ۲۲-۲۳). با توجه به ارقام موجود می‌توان دریافت که بیشتر جنگل‌های کشور غیر قابل بهره‌برداری بوده و مساحت زیادی از آنها را جنگل‌های مخروطی و غیرتجارتی که کاربردی جز تولید هیزم نداشته است، اشغال کرده بود. بنابراین اگر سیاست‌های مناسب برای احیای جنگل‌های مخروطی تدوین و به‌مورد اجرا گذاشته می‌شد، شاهد چنین حجم وسیعی از جنگل‌های مخروطی نبودیم؛ به‌خصوص با عدم عملیاتی شدن بخش مهمی از برنامه‌های احیای جنگل‌ها در طول برنامه پنجم، در کنار افزایش بهره‌برداری از این جنگل‌ها و اجرای برنامه‌های کاشت درختان سوزنی‌برگ به منظور تغذیه کارخانه صنایع کاغذسازی، می‌توان استنباط کرد که هر روز از میزان مساحت جنگل‌های تجاری کاسته و به میزان جنگل‌های غیرتجارتی و مخروطی افزوده می‌شد. روند تولید سالانه چوب در جنگل‌های شمال کشور (میزان برداشت) در طول برنامه چهارم از رقم ۸۲۵ هزار متر مکعب (ابتدای برنامه) به ۹۱۴ هزار متر مکعب (در پایان برنامه) در سال رسیده بود و این رقم در پایان سال ۱۳۵۵ به حدود $1/488$ میلیون متر مکعب رسید. بنابراین شیب میزان برداشت از

فصلنامه علمی تاریخ اسلام و ایران دانشگاه الزهراء(س)، سال ۳۱، شماره ۴۹، بهار ۱۴۰۰ / ۶۳

ابتدای برنامه چهارم تا پایان سال سوم برنامه پنجم همواره صعودی بوده است. همچنین سطح مورد بهره‌برداری در جنگل‌های شمال کشور از ۲۸۰ هزار هکتار در سال ۱۳۵۱ به ۳۶۰ هزار هکتار در سال ۱۳۵۵ رسید و پیش‌بینی می‌شد در سال ۱۳۵۶ میزان تولید و سطح بهره‌برداری در همین حد تثبیت شود (بررسی وضع موجود و امکانات بهره‌برداری از منابع طبیعی کشور در بلند مدت.....، ۲۵۳۶: ۲۲-۲۴). بدین ترتیب، با توجه به افزایش سریع شیب برداشت از جنگل‌ها در برنامه پنجم و عدم پیشرفت لازم برنامه‌های پیش‌بینی شده احیا و جنگل‌کاری برنامه پنجم، بروز مسائل و مشکلاتی در اکوسیستم جنگلی ایران گریزناپذیر بود.

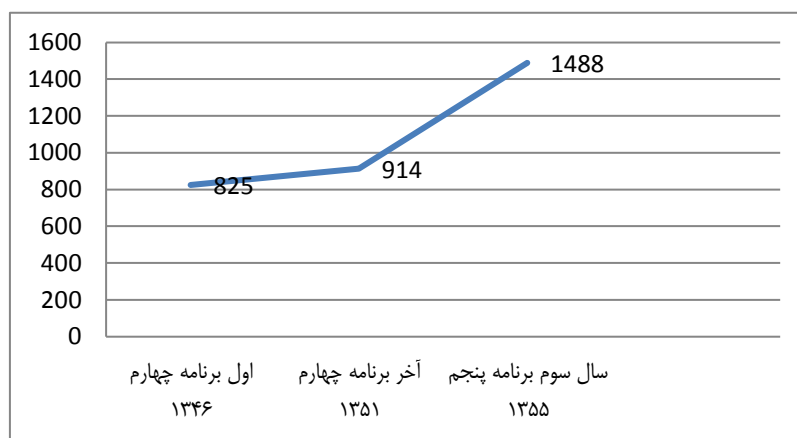
جدول ۱. عملکرد دولت در سه سال اول برنامه پنجم در بخش حفاظت از منابع طبیعی (سنجش عملکرد برنامه پنجم عمرانی کشور طی سه سال.....، [بی‌تا]: ۴۷).

عنوان	پیش‌بینی شده در برنامه اولیه	پیش‌بینی شده در برنامه تجدید نظر شده پنجم	عملکرد در سه سال اول برنامه	درصد پیشرفت نسبت به برنامه تجدید نظر شده
تجهیز پاسگان (گارد) جنگل	---	-----	احداث ۴۰ پاسگاه جنگلی و ۲۰ دستگاه قرارگاه	
احداث راه نفوذی	۱۵۰۰	۶۰۰ کیلومتر مربع	مطالعه ۲۵۰ کیلومتر، ساخته شده ۷۵ کیلومتر	۱۲/۵
احداث راه بهره‌برداری	۲۰۰۰	۱۰۰۰ کیلومتر	----- -	
فرق جنگل‌ها	۵ میلیون هکتار	-----		
بهره‌برداری از جنگل	۷۶۰	۸۴۸ هزار (هکتار)	۳۶۴۰۰۰ هکتار	۴۲/۹
میزان برداشت چوب	۲/۷	۳ میلیون متر مکعب	۱۶۰۰۰۰۰ متر مکعب	۵۳/۳۳
جنگل‌کاری	۲۰	۵۰ هزار هکتار	۱۳۰۰۰ هکتار	۲۶
احیای جنگل‌های مخروطی		۵۰ هزار هکتار	۶۰۰۰ هکتار	۱۲
تبدیل دیم‌زارهای نامرغوب به مرتع		-----	۲۳۶۳ هکتار کشت شده	

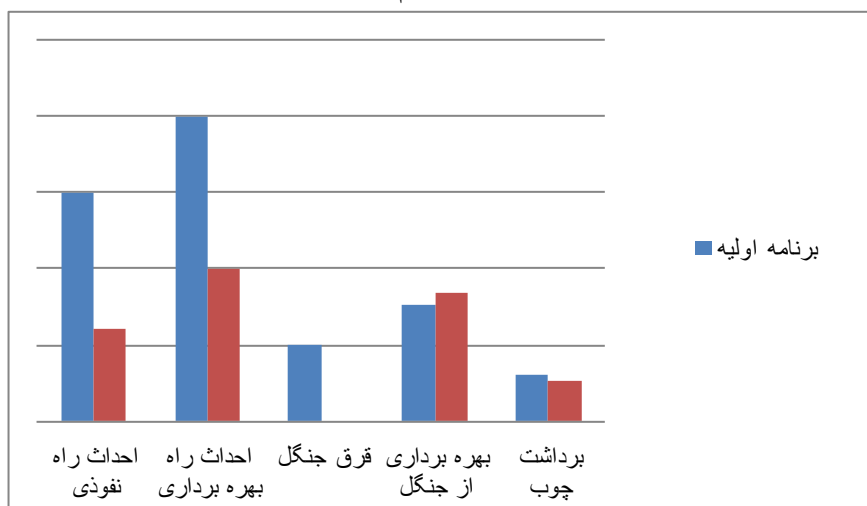
۶۴ / حفظ و بهبود محیط زیست در برنامه عمرانی پنجم (۱۳۵۲-۱۳۵۶ش) ... / مهدی رفعتی پناه مهرآبادی

عنوان	پیش بینی شده در برنامه اولیه	پیش بینی شده در برنامه تجدید نظر شده پنجم	عملکرد در سه سال اول برنامه	درصد پیشرفت نسبت به برنامه تجدید نظر شده
تهیه طرح مرتعداری	۱۰ میلیون	۱/۵ میلیون هکتار	۹۰۰ هزار هکتار	۶۰
قرق	۴ میلیون	۵ میلیون هکتار	۶۷۰۰ هزار هکتار	۱۳۴

نمودار ۱. میزان افزایش تولید چوب در جنگل های شمال کشور (هزار متر مکعب) (بررسی وضع موجود و امکانات بهره برداری از منابع طبیعی کشور در بلند مدت.....، ۲۵۳۶: ۲۳)



نمودار ۲: مقایسه دو برنامه اولیه و تجدید نظر شده پنجم از حیث عمران، احیا و بهره برداری جنگل ها



فصلنامه علمی تاریخ اسلام و ایران دانشگاه الزهراء(س)، سال ۳۱، شماره ۴۹، بهار ۱۴۰۰ / ۶۵

همین بی‌توجهی در عملیاتی کردن طرح‌های حفظ و احیا و تغییراتی که در برنامه اولیه پنجم عمرانی، به‌خصوص در مورد کاستن از میزان احداث راه‌های نفوذی و جنگلی صورت گرفت، موجب به وجود آمدن مشکلات متعددی در عرصه حفظ، احیا و بهره‌برداری معقول و مناسب از این منبع طبیعی شد. در گزارش سازمان برنامه به وجود مشکلات گوناگونی اشاره شده که مهم‌ترین آنها را به قرار زیر می‌توان برشمرد:

۱. فقدان یک طرح کلی جامع، براساس تلفیقی از نیازهای فوری تولید و نیازهای روزافزون درازمدت به فضاهای جنگلی زیبا و دست‌یافتنی.
 ۲. بهره‌برداری بیش از حد متعارف در مقایسه با امکان زادآوری آنها؛ به‌خصوص در مورد گونه‌های بسیار مرغوب نظیر راش.
 ۳. مشکلات ناشی از موقعیت محلی جنگل‌ها، کمی راه‌های نفوذی و گرانی هزینه ایجاد و نگهداری این راه‌ها.
 ۴. عدم توجه به اجرای کامل برنامه‌های مراقبتی و جنگل‌شناسی در جنگل‌های شمال کشور.
 ۵. تداخل وظایف، فقدان هماهنگی و مشخص نبودن مرز فعالیت‌های سازمان‌های مسئول حفظ جنگل‌ها با واحدهای بهره‌برداری.
- همچنین در ارتباط با جنگل‌های غرب کشور مسائل عمده‌ای که وجود داشت، شامل موارد بوده است:
۱. فشار شدید در بهره‌برداری از چوب‌های هیزمی، چوب‌های کوچک صنعتی و اقدام به تراشیدن و انهدام این جنگل‌ها.
 ۲. مشکلات مربوط به امکان نظارت کامل و مؤثر در جنگل‌های حفاظت شده مناطق غرب و جنوب و رواج وسائط نقلیه موتوری که بهره‌برداری نامناسب و تخریب دوردست‌ترین درختان را فراهم می‌کرد.
 ۳. عدم اجرای برنامه‌های دقیق حفاظتی و احیائی در جنگل‌های غرب و جنوب کشور به علت فقدان آمار و نقشه در مقیاس‌های مورد نیاز و فقدان آینده‌نگری در قابلیت تولید این منابع، دست‌کم در مقیاس منطقه‌ای.
- علاوه بر موارد گفته شده، گزارش مزبور تأکید دارد که با توجه به احتیاج روزافزون به چوب، کاغذ و فرآورده‌های چوبی، مسائلی از قبیل تشدید بهره‌برداری از جنگل‌ها و یا بالا بردن میزان برداشت چوب از هر هکتار جنگل مطرح بود که اگر با بی‌توجهی به برنامه‌های درازمدت در این مورد اقدام می‌شد، زیان‌های جبران‌ناپذیری به دنبال می‌آورد (بررسی وضع

۶۶ / حفظ و بهبود محیط زیست در برنامه عمرانی پنجم (۱۳۵۲-۱۳۵۶ش) ... / مهدی رفعتی پناه مهرآبادی

موجود و امکانات بهره‌برداری از منابع طبیعی کشور در بلند مدت.....، ۲۵۳۶: ۲۴-۲۵). تا اواخر دوران برنامه پنجم همچنان مشکلات و مسائل حل‌ناشده‌ای در ارتباط با حفاظت، احیا و بهره‌برداری از جنگل‌ها وجود داشت و این مسئله سیاست‌های دقیق و قابل اجرایی را می‌طلبد که با عملیاتی کردن آن، امکان فائق آمدن بر این مسائل و مشکلات به وجود می‌آید. اینکه تا اواخر برنامه پنجم (آخر سال ۱۳۵۶ و نزدیکی به انقلاب و پایان دوره حکومت محمدرضا شاه) هنوز طرحی جامع برای هماهنگی نیازهای فوری و نیازهای درازمدت تولید و برداشت از جنگل‌ها تدوین نشده بود و مشکلات اساسی در مورد احداث و نگهداری راه‌های نفوذی جنگل‌ها وجود داشت، در کنار عدم وجود آمار دقیق و نقشه‌های مورد نیاز به‌خصوص در ارتباط با جنگل‌های غرب، نشان از این واقعیت دارد که با وجود اقدامات گوناگون در عرصه حفظ و بهره‌برداری از جنگل‌ها، راه‌درازی در پیش بود که با انقلاب ۵۷ برای مدتی دچار وقفه و رکود شد.

در مورد مراتع کشور هرچند میزان قابل توجهی از برنامه‌های تدوین شده برای حفظ، احیا و بهره‌برداری از این منبع طبیعی عملیاتی شد و تا پایان سال ۱۳۵۵ میزان قرق مراتع حتی از برنامه‌های پیش‌بینی شده نیز فراتر رفت (سنجش عملکرد برنامه پنجم عمرانی کشور طی سه سال، [بی‌تا]: ۴۷)، اما همچنان مشکلات بسیاری در راه حفظ و بهره‌برداری مناسب از آنها وجود داشت. به‌طور کلی از اوایل برنامه چهارم اقدامات مختلفی به منظور تهیه و اجرای عملیات اصلاح و احیای مراتع در قالب فعالیت‌هایی چون بذرافشانی، نهال‌کاری، محصور کردن مراتع، حفر چاه، احداث آبشخور و تلفیق کشاورزی و دامداری، اعمال روش‌های نوین مرتعداری به منظور حفظ آب، خاک و گیاه صورت گرفت، اما با این همه براساس گزارش سازمان برنامه، به دلایل مختلف از جمله وسعت زیاد کشور و مشکلات اقلیمی، عملکرد برنامه‌های مورد اجرا آنچنان‌که باید شایان توجه نبود و موفقیت‌های لازم را به دست نیاورد؛ به‌طوری که در طول دو برنامه عمرانی چهارم و پنجم بذرکاری حدود ۳۵ هزار هکتار، نهال‌کاری در مساحت ۲۰ هزار هکتار، تبدیل دیم‌زارها به مراتع دست‌کاشت حدود چهار هزار هکتار و تهیه طرح‌های مرتعداری برای حدود یک میلیون هکتار انجام شد، ولی سازمان برنامه پیش‌بینی کرد چنانچه همین روند حفظ شود، اصلاح مراتع ایران صدها سال طول خواهد کشید. لذا براساس این گزارش می‌توان دریافت که سیاست‌های حفظ و احیا و بهره‌برداری از مراتع چندان متناسب با نیازهای واقعی کشور نبوده و هنوز راه زیادی برای رسیدن به وضعیت ایده‌آل باقی مانده بود. البته باید متذکر شد که مسائل و مشکلات متعددی بر سر راه تدوین و اجرای این نوع از سیاست‌ها -علاوه بر وسعت زیاد کشور و مشکلات اقلیمی- به شرح زیر

فصلنامه علمی تاریخ اسلام و ایران دانشگاه الزهراء(س)، سال ۳۱، شماره ۴۹، بهار ۱۴۰۰ / ۶۷

وجود داشت:

۱. ادامه چرای بی‌رویه دایره‌وار و هاله‌ای‌شکل در اطراف محل‌های سکونت توسط دامداران ساکن و چرای خطی در مسیر محورهای جابه‌جا شدن توسط دامداران متحرک، موجب ریشه‌کن شدن مداوم گیاهان می‌شد و در نهایت عامل تبدیل سریع علفزارها به بیابان می‌شد.
۲. با توجه به بهره‌برداری (چرای دام) مفرط از مراتع کشور، بازدهی طبیعی به شدت کاهش یافت و چنین وضعی موجب رها کردن زمین‌های مرتعی و کوچ جوامع ساکن این مناطق می‌شد.
۳. گسترش کشت دیم غلات با بازدهی اندک موجب کاهش سطح مراتع و در نتیجه منجر به تمرکز دام‌ها در سطح محدودی از مراتع این مناطق شده بود و به همین دلیل فشار ناشی از چرای دام‌ها عامل تخریب سریع مراتع به حساب می‌آمد.
۴. بوته‌کشی در مراتع به منظور تأمین سوخت برای گرم کردن و پخت و پز، به پوشش گیاهی مراتع آسیب می‌رساند.
۵. برنامه‌های مشخص با الویت‌های لازم برای احیا و بهبود مراتع که با برنامه‌های کشاورزی و دامداری تلفیق شده باشد، در کشور وجود نداشت.
۶. روش‌هایی نظیر قرق مراتع و اخراج زارعان و دامداران و یا خرید دام‌های اضافی روستاییان، به تنهایی قادر به حل مشکل چرای بی‌رویه نمی‌شد؛ به‌ویژه آنکه دولت فکری برای ایجاد فعالیت‌های دیگر در مناطق مورد نظر برای اشتغال روستاییان نکرده بود (بررسی وضع موجود و امکانات بهره‌برداری از منابع طبیعی کشور در بلندمدت.....، ۲۵۳۶: ۳۱-۳۳). بنابراین بدون تهیه و اجرای برنامه‌های تحقیقاتی لازم و هماهنگ شده در زمینه‌های مختلف حفاظت، احیا و بهره‌برداری از مراتع بدون تهیه و اجرای طرح‌های مرتع‌داری و ایجاد تسهیلات لازم (چون چاه، آب‌شخور و غیره) توأم با شناخت ظرفیت مراتع، کنترل کشت دیم، جلوگیری از بوته‌کشی، جلوگیری از چرای بیش از ظرفیت و کاهش تعداد دام در مراتع کشور، به همراه مشارکت فعال استفاده‌کنندگان از مراتع و با هدف اصلی حفاظت، احیا و افزایش قابلیت تولید علوفه در مراتع کشور، در بلندمدت امکان موفقیت سیاست‌های دولتی در این بخش وجود نداشت.

نتیجه گیری

نگاه دستوری به برنامه ریزی توسعه در ایران، سیاست‌های بخش‌های مختلف را نیز در برمی‌گرفت و به دنبال این وضعیت، سیاست‌های محیط زیستی دولت ایران، اسیر همین نگاه غیرقابل انعطاف شد. از آنجا که اولویت سیاست‌های دولتی، رشد اقتصادی و پیشرفت همه‌جانبه، به‌خصوص در عرصه‌های صنعتی و حرکت به سمت تجدد بود، همواره سیاست‌های محیط زیستی اسیر این نگاه می‌شد. بنابراین در برنامه پنجم به سیاست‌های کشاورزی و صنعتی تقدم داده شد و همین عامل تناقضی آشکار را در برنامه‌ها و سیاست‌های دولت در ارتباط با محیط زیست باعث شد. اصولاً به نظر می‌رسد برنامه‌ریزان توسعه درک درستی از نحوه سیاست‌های محیط زیستی نداشتند و هرگز در نظر نگرفته بودند سیاست‌های محیط زیستی چندپاره بوده و با سیاست‌های اقتصادی، صنعتی، کشاورزی، انرژی و غیره در ارتباط تنگاتنگ قرار دارد. آنها از این اصل اساسی که سیاست‌های محیط زیستی درباره چگونگی نظم دادن انسان به خود و عملکردش به منظور برقراری ارتباط با طبیعتی است که او را زنده نگه داشته است، غفلت کردند و به همین دلیل سیاست‌های محیط زیستی در ایران هیچ ارتباط مشخص و مستقیمی با بقیه بخش‌ها نداشته و گویی موضوعی جدا از سیاست‌های کشاورزی، صنعتی و انرژی و غیره بوده است؛ چنان‌که در بخش کشاورزی هدف اساسی افزودن بر سطح زیر کشت و افزایش تولید کشاورزی با بهره‌گیری حداکثری از امکانات موجود بود. این هدف از یک سو، به استفاده بیشتر از خاک، مراتع، منابع آب زیرزمینی از طریق حفر چاه‌های عمیق و نیمه‌عمیق و منابع آب‌های سطحی از طریق ایجاد شبکه‌های آبرسانی و ساخت سدها منجر می‌شد و از سوی دیگر، کشاورزان را به استفاده از کودهای شیمیایی و انواع سموم دفع آفات ترغیب می‌کرد. در نتیجه، تدوین سیاست‌های کشاورزی بدون در نظر گرفتن اثرات محیط زیستی آنها عامل مهمی در تخریب محیط زیست ایران طی برنامه عمرانی پنجم بوده است. از یک سو به صورت گسترده از منابع آب - زیرزمینی و روزمینی - برداشت می‌شد و از سوی دیگر، قانون حفظ و حراست از آب‌های زیرزمینی وضع می‌شد. با ایجاد سدهای گوناگون و دست‌کاری در طبیعت، بهره‌برداری از جنگل‌ها و مراتع، تغییرات ویرانگری در اکوسیستم‌های مختلف داده می‌شد و در مقابل آن، قوانینی برای حفظ و بهسازی محیط زیست به تصویب می‌رسید. روزانه بر تعداد کارخانه‌ها و کارگاه‌های صنعتی و به دنبال آن، بر میزان فاضلاب‌های تخلیه شده به درون رودخانه‌ها افزوده می‌شد و در مقابل، آیین‌نامه جلوگیری از ورود فاضلاب‌ها به رودخانه‌ها مورد تصویب هیئت دولت قرار می‌گرفت. برای تولید برق بیشتر به منظور پاسخگویی به نیاز شهرها، روستاها و صنایع،

فصلنامه علمی تاریخ اسلام و ایران دانشگاه الزهراء (س)، سال ۳۱، شماره ۴۹، بهار ۱۴۰۰ / ۶۹

میلیون‌ها لیتر فرآورده‌های نفتی استفاده می‌شد، تعداد خودروها روز به روز افزایش می‌یافت و مشکل آلودگی هوا پدید می‌آمد و در واکنش به آن، قانون جلوگیری از آلودگی هوا تدوین می‌شد. به عبارت دقیق‌تر، سیاست‌های محیط زیستی دولت ایران در چنگال نوسازی نامتوازن و توسعه ناپایدار اسیر شده بود و در واقع، این نوع سیاست‌ها بیشتر واکنشی بود به وضعیت ایجاد شده. به عبارت روشن‌تر، دولت پهلوی در برنامه پنجم به‌خصوص برنامه تجدید نظر شده، به‌طور کامل از گفتمان پایست‌گرایی - توسعه پایدار فاصله گرفت و با خروج از این گفتمان عملاً راه را بر موفقیت هرچند اندک سیاست‌های محیط زیستی و از جمله سیاست جنگل‌ها بست.

منابع و مأخذ

- آل یاسین، احمد (۱۳۹۳)، *تاریخچه برنامه ریزی توسعه در ایران*، تهران: سمر.
- بیات، آصف (۱۳۷۹)، *سیاست‌های خیابانی: جنبش تهیدستان در ایران*، ترجمه سید اسدالله نبوی چاشمی، تهران: شیرازه.
- جوانشیر، کریم (۱۳۷۸)، *تاریخ علوم منابع طبیعی در ایران*، تهران: سازمان تحقیقات، آموزش و ترویج کشاورزی.
- بررسی وضع موجود و امکانات بهره‌برداری از منابع طبیعی کشور در بلند مدت (۲۵۳۶-۲۵۳۷)، (۱۳۵۶/۲۵۳۶)، تهران: سازمان برنامه و بودجه.
- برنامه پنجم عمرانی کشور (۱۳۵۱)، [بی‌جا]: سازمان برنامه و بودجه.
- برنامه پنجم عمرانی کشور، تجدید نظر شده ۱۳۵۲-۱۳۵۶ (۱۳۵۲)، [بی‌جا]: سازمان برنامه و بودجه.
- سنجش عملکرد برنامه پنجم عمرانی کشور طی سه سال (۲۵۳۲-۲۵۳۴ شاهنشاهی) [بی‌تا]، تهران: سازمان برنامه.
- شامخی، تقی (۱۳۹۰)، *قوانین و مدیریت منابع طبیعی و جنگل‌ها و مراتع*، تهران: دانشگاه تهران.
- علم، امیر اسدالله (۱۳۷۲)، *یادداشت‌های علم، ویرایش علینقی عالیخانی*، ج ۵، تهران: کتابسرا.
- لانگ جی. ای. و آر. ای. پری (اسفند ۱۳۵۴)، *تحقیق و توسعه منابع طبیعی در مناطق خشک و نیمه‌خشک ایران ۱۹۷۵*، ترجمه دفتر منابع طبیعی و محیط زیست، تهران: سازمان برنامه و بودجه.
- لیلانز، سعید (۱۳۹۲)، *موج دوم تجدید امرانه در ایران*، تهران: نیلوفر.
- مجموعه قوانین سال ۱۳۵۴ (۱۳۵۴)، *نشریه روزنامه رسمی کشور شاهنشاهی ایران*، [بی‌جا]: روزنامه رسمی.
- مجیدی، عبدالمجید (۱۳۸۱)، *خاطرات عبدالمجید مجیدی*، تهران: گام نو.
- مجیدی، عبدالمجید، خداداد فرمانفرمائیان و منوچهر گودرزی (۱۳۸۱)، *توسعه در ایران*، تهران: گام نو.
- *مشروح مذاکرات مجلس (چهارشنبه ۱۱ بهمن ۱۳۵۱)*، جلسه هشتاد و نه، دوره بیست و سوم (لوح

۷۰ / حفظ و بهبود محیط زیست در برنامه عمرانی پنجم (۱۳۵۲-۱۳۵۶ش) ... / مهدی رفعتی پناه مهرآبادی

الکترونیک).

- میراحمدی، منصور و حسن جباری نصیر (زمستان ۱۳۸۹)، «الگوی نظری دولت مطلقه و پیدایی دولت شبه مدرن در ایران»، *پژوهشنامه علوم سیاسی*، سال ششم، شماره ۱، صص ۱۶۷-۱۹۹.
- نقیبزاده، احمد (۱۳۷۹)، *دولت رضاشاه و نظام ایللی*، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.

اسناد و نشریات

- سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران (ساکما)، سند شماره ۲۳۲۸۵-۲۹۳.
- _____، سند شماره ۱۹۰۹-۲۲۰.
- _____، سند شماره ۱۸۳۰۹-۲۲۰.
- _____، سند شماره ۱۰۷۹۰-۲۲۰.
- _____، سند شماره ۵۸۷۶۲-۲۹۳.
- _____، سند شماره ۹۰۹۰-۳۵۰.
- _____، سند شماره ۶۷۰۵۳-۲۹۳.
- روزنامه آیندگان (۲۴ شهریور ۱۳۵۴)، ص ۱۶.
- روزنامه اطلاعات (سه شنبه ۱۸ خرداد ۱۳۵۳)، شماره ۱۴۴۲۵۰، ص ۱۶.

- Arnold, Steven H. (1993), "Sustainable Development: A solution to the Development Puzzle?" *Development (journal of SID)*, vol 2, No 3
- Dryzek, John S. (2013), *the politics of the earth: environmental discourses*, Oxford: Oxford University Press.
- Dryzek, John S. and David Schlosberg (1998), *Debating the Earth*, New York: Oxford University Press.
- UNESCO (1997), *Educating for a sustainable future*, Thessaloniki: The government of Greece.

List of sources with English handwriting

Persian Sources

- Āl Yāsīnm Aḥmad (1393 Š.), Tārīkḥeh-ye Barnāmerīzī-e Tawse'e dar Īrān, Tehran: Samar. [In Persian]
- 'Alam, Asadullāh (1372 Š.), Yāddāsthā-ye 'Alam, edited by 'Alīnaqī 'Ālīkānī, Vol. 5, Tehran: Ketābsarā. [In Persian]
- Barnāmeḥ-ye Panjom-e 'Omrānī-e Kešvar (1351 Š.), Sāzmān-e Barnāmeḥ va Būdḥeh. [In Persian]
- Barnāmeḥ-ye Panjom-e 'Omrānī-e Kešvar, Tajdīd-e Nazaršodeh 1352-1356 (1352 š.), Sāzmān-e Barnāmeḥ va Budḥeh. [In Persian]
- Barraši-e Vaz'e Mojud va Emkānāt-e Bahrebardāri az Manāb'e Ṭabī'i-e Kešvar dar Boland Moddat (2536-2561), (1356 Š./2536), Tehran: Sāzmān-e Barnāmeḥ va Būdḥeh. [In Persian]
- Jāvānšīr, Karīm (1378 Š.), Tārīkḥ-e 'Olūm-e Manābe' Ṭabī'i dat īrān, Tehran: Sāzmān-e Taḥqīqāt, Āmūzeš va Tarvīj-e Kešāvarzī. [In Persian]
- Leylāz, Sa'īd (1392 Š.), Mowj-e Dovvom-e Tajadod-e Āmerāneh dar Īrān, Tehran: Nīlūfar. [In Persian]
- Long, J. A.; R. A. Perry (Esfand 1354 Š.), Taḥqīq va Towse'e-ye Manāb'e Ṭabī'i dar Manāteq-e košk va Nīmeḥkošk-e Īrān 1975, translated by Daftar-e Manābe'e Ṭabī'i va Moḥīṭ-e Zīst, Tehran: Sāzmān-e Barnāmeḥ va Būdḥeh. [In Persian]
- Majīdī, 'Abdulmajīd: ḳodādād Farmānfarmātān; Manūchehr Gūdarzī (1381 Š.), Tawse'e dar Īrān, Tehran: Gām-e No. [In Persian]
- Majmū'e Qavānīn-e Sāl-e 1354 (1354 š.), Našrīya-e Rūznāma-e Rasmī-e Kešvār-e Šāhanšāhī-e Īrān, Rūznāma-ye Rasmī. [In Persian]
- Mašrūḥ-e Mozākerāt-e Majlis (11 Bahman 1351 s.), Ĵalasa-ye 89, 23 (CD). [In Persian]
- Mīr Aḥmadī, Maṣūr; Hasan Ĵabbārī Našīr (Winter 1389 Š.), "Olgū-ye Nazarī-e Dawlat-e Moṭlaqeh va Paydānī-e Dawlat-e Šebh-e Modern dar Īrān", Pejūhešnāma-ye 'Olūm-e Sīāsī, 3, No. 1, pp. 167-199. [In Persian]
- Naqībzādeh, Aḥmad (1379 š.), Dawlat-e Rezā Šāh va Nezām-e Īlī. Tehran: Markaz-e Asnād-e Enqelāb-e Eslāmī. [In Persian]
- Sanješeh 'Amalkard-e Barnāmeḥ-ye Panjom-e 'Omrānī-e Kešvar ṭa-ye Se Sāl (2532-2534), Tehran: Sāzmān-e Barnāmeḥ. [In Persian]
- Šāmekī, Taqī (1390 Š.), Qavānīn va Modīrīat-e Manābe'e Ṭabī'i va Ĵangalhā va Marāt'e, Tehran: Dānišgāh-e Tehran. [In Persian]

English Sources

- Arnold, Steven H. (1993), "Sustainable Development: A solution to the Development Puzzle?" Development (journal of SID), vol 2, No 3
- Bayat, Asef (1997), Street Politics: Poor People's Movement in Iran, New York: Columbia University Press.
- Dryzek, John S. (2013), *the Politics of the Earth: environmental discourses*, Oxford: Oxford University Press.
- Dryzek, John S.; David Schlosberg (1998), *Debating the Earth*, New York: Oxford University Press.
- UNESCO (1997), *Educating for a sustainable future*, Thessaloniki: The government of Greece.

Documents

- SAKMA, Document ID, 293-23285.
- SAKMA, Document ID, 220-1909.
- SAKMA, Document ID, 220-10790.
- SAKMA, Document ID, 293-5862.
- SAKMA, Document ID, 350-9090.
- SAKMA, Document ID, 293-67053.

Newspapers

- *Rūznāma-ye Āyandegān* (24 Šahrīvar 1354 Š.), p. 16.
- *Rūznāma-ye Eṭelā'āt* (18 ḳordād 1353 Š.), No. 144250, p. 16.

Preservation and Improvement of the Environment in the Fifth Development Plan (1352-1356/ 1973-1977) Based on Forests and Pastures¹

Mahdi Rafatipanaāh Mehrābādī²

Received: 2020/05/10

Accepted: 2020/12/03

Abstract

Today, different formulations of environmental discourses are presented. These discourses determine how governments and societies view the environment. Naturally, following each of these discourses will have specific consequences for countries. They will evaluate specific policies for environmental protection and determine how and to what extent natural resources should be exploited. One of the environmental discourses is the discourse of sustainable development, which is closely related to the discourse of survivalism. This discourse emphasizes the optimal use of natural resources and considers these resources as the heritage of all human beings so that future generations can use them. In Iran, before the Revolution of 1979, the Fifth Development Plan was the only plan that dedicated a specific chapter to preserving and improving the environment. Using the historical research method while trying to explain the goals and policies of the Fifth Plan, this article intends to answer the question: What was the environmental discourse that governed the Fifth Plan? And consequences for the environment did it lead to? Forests and pastures have also been considered as a case study of this article. This article shows how the lack of sustainable development led to the domination of a reconstructive and reactionary look and neglect of preventive and action-oriented view in this program. This change, in turn, hold back protection programs and intertwined with a tool-based approach to the environment, the imperative nature of plan-making, and the quasi-modern state, represented a complete picture of unsustainable development

Keyword: Environmental Protection, Fifth Development Plan, Pahlavi State, Revised Plan.

1. DOI: 10.22051/HII.2020.31233.2241

2. Assistant Professor, Institute for Research and Development in the Humanities (SAMT), Tehran, Iran.

Email: rafatipanaah@samt.ac.ir

Print ISSN: 2008-885X/Online ISSN:2538-3493